

بررسی آثار حقوقی تمدید مدت پیمان^۱ پیش از تنظیم صورت مجلس تأخیرات



حمید حسین زاده^۲، پژوهشگر و مشاور حقوقی صنعت احداث کشور
Hosseinzadeh.Hamid@gmail.com

مقدمه

تحويل پروژه (بررسی خواهد شد، اکتفاء می‌گردد؛ ذهنیت غالب نیز، بر این امر استوار است که، همین جمله‌ها کافیسست تا، به اصطلاح، بار اثبات جواز تأخیرات تا انتهای کار، بر عهده پیمانکار قرار گیرد. اما حقیقت امر، این نیست؛ چنانچه به محض وقوع رویداد ابلاغ تمدید مدت پیمان، با شرایط پیش گفته، آثار خاصی از حیث حقوقی بر پیمان مترتب می‌شود؛ یعنی از نظر حقوقی، اماره‌ی مجاز بودن تأخیرات، به نفع پیمانکار حاصل می‌شود، به نحوی که بار اثبات دعوی تأخیرات مجاز و غیرمجاز، پس از آن، در تعهد مشاور و کارفرما قرار خواهد گرفت، نه پیمانکار. فرآیند شکل‌گیری این امر از حیث حقوقی و آثار مترتب بر آن، مطابق ش.ع.پ و اصول کلی حقوقی، موضوع این نوشتار است.

۲. بررسی تشریفات شکلی تمدید مدت پیمان

برای بررسی موضوع، صرف‌نظر از علل و اسباب تأخیرات کار (بخش ماهوی امر)، بدوای بایستی تشریفات شکلی تمدید مدت پیمان را، بررسی کنیم. بند (الف) ماده ۳۰ ش.ع.پ، در بحث تغییرات مدت پیمان که، عمدتاً منجر به افزایش مدت پروژه می‌شود^۱، بیان می‌دارد:
در صورت وقوع هر یک از موارد زیر^{۱۱} که موجب افزایش مدت اجرای کار شود، پیمانکار

همواره، یکی از موضوعات بحث برانگیز میان پیمانکار^۳، مشاور^۴ و کارفرما^۵ در پروژه‌های پیمانکاری، تأخیرات پروژه و به تبع آن، تمدید مدت پیمان است که سبب اختلاف‌های بعضاً اساسی، در بین طرفین پیمان می‌شود. شاید، بایستی ریشه این اختلاف‌ها را در عدم رعایت بروکراسی اداری مدون و منظم حین اجرای پروژه از ناحیه پیمانکار و مشاور^۶ جستجو کرد. البته موضوع این مقاله، منصرف از بررسی مسئله فوق‌الذکر و در پی بررسی و تبیین آثار تمدید مدت پیمان، در وضعیتی است که، به تأخیرات پیمانکار، رسیدگی نشده باشد. چه اینکه، رویه‌ی تعریف و تدوین شده در شرایط عمومی پیمان (ش.ع.پ)، دال بر، لزوم رسیدگی به تأخیرات پیمانکار، در در پایان مدت اولیه پیمان یا هر تمدید مدت پیمان^۷، به همراه تعیین و تصویب میزان تأخیرات وی و تمدید مدت پیمان، به میزان تأخیرات مجاز مشارالیه است؛ لیکن بعضاً مهندس مشاور، با کسب نظر از کارفرما، نسبت به تمدید مدت پیمان، بدون رسیدگی به تأخیرات پیمانکار، اقدام و در انتهای ابلاغیه تمدید هم مرسوم است، جمالتی از این دست مرقوم می‌کند که این نامه، صرفاً جهت ارائه به سازمان تأمین اجتماعی^۸ به منظور فراهم نمودن امکان تحويل لیست بیمه کارکنان پیمانکار، یا در جهت تسهیل در تمدید بیمه‌نامه‌های^۹ پیمان (اعم از تمام‌خطر نصب و مسئولیت مدنی) صادر شده و النهایه، به قید این جمله که، رسیدگی به تأخیرات مجاز و غیرمجاز، در پایان کار (زمان



در مآحن فیه، بحث دایر مدار آن است که اگر پیمانکار، تمدید مدت پیمان را درخواست نکند و یا درخواست تمدید مدت پیمان را بدون ارائه گزارش و یا همراه با گزارش توجیهی تسلیم کند. لیکن مشاور، بدون رسیدگی به لایحه تاخیرات و یا بدون مدنظر قراردادن موارد پیش گفته، صرفاً بر اساس وضعیت کلی و شهودی از پیشرفت پروژه، نسبت به ارائه پیشنهاد تمدید مدت پیمان به کارفرما، اقدام و نهایتاً کارفرما نیز با نظر وی موافقت کند و پیمان، به میزان مندرج در نامه کارفرما، توسط مشاور تمدید شود (پیش از آنکه صورتجلسه تاخیرات، به امضاء پیمانکار و مهندس مشاور برسد).

در چنین وضعیتی، با وجود قیودی از این دست که این نامه، صرفاً جهت ارائه به سازمان تامین اجتماعی، به منظور فراهم نمودن امکان تحویل لیست بیمه کارکنان آن شرکت و یا جهت تسهیل در تمدید بیمه نامه های پیمان (اعم از تمام خطر نصب و مسئولیت مدنی) صادر گردیده و نهایتاً، درج این جمله که رسیدگی به تاخیرات مجاز و غیر مجاز، در پایان کار (زمان تحویل پروژه) بررسی خواهد شد، آنچنان موثر در مقام هست که در انتهای کار، پیمانکار، موظف به ارائه لایحه تاخیرات و اثبات مجاز بودن تاخیرات باشد!^۱ یا مهندس مشاور و کارفرما، بایستی غیر مجاز بودن تاخیرات پیمانکار را به اثبات برسانند؟! به عبارت دیگر، با وقوع رویداد صدرالاشاره، بار اثبات دعوی تاخیرات کار، بر دوش کدامیک از طرفین پیمان، قرار خواهد گرفت؟

۴. بررسی کلیات اثبات دعوی تاخیرات

در پاسخ به این سوال که، با وقوع رویداد صدرالاشاره، بار اثبات دعوی تاخیرات، بر دوش کدامیک از طرفین پیمان، قرار خواهد گرفت، بایستی اشاره کنیم که مطابق قاعده^{۲۰}



نماه شماره ۱) انواع دلیل

"البینه علی المدعی"، اقامه دلیل بر عهده مدعی است و همانطور که پیشتر اشاره شد، تعهد پیمانکار، در قراردادهای PC غیر صنعتی، تعهد به نتیجه است؛ لذا، بدو این پیمانکار است که، بایستی جواز تاخیرات صورت پذیرفته در پروژه را مطابق برنامه زمانبندی و موارد احصاء شده در ماده^{۳۰} ش.ع.پ اثبات کند. به عبارت دیگر، ابتدا به ساکن، پیمانکار، مدعی مجاز بودن تاخیرات خویش در اجرای پروژه است و بار اثبات دعوی تاخیرات، با تمسک به دلایل معتبر، بر عهده اوست. اتفاقاً ش.ع.پ نیز، همین مسیر را مقرر و پیمانکار را به تهیه لایحه و ارائه آن به مهندس مشاور، مکلف کرده است. لیکن در مآحن فیه، بحث منصرف به حالتی است که بدون وجود لایحه مذکور یا با وجود آن، مهندس مشاور و به تبع وی، کارفرما، سند^{۲۱} تاخیرات مجاز و غیر مجاز را که بایستی طی صورت مجلسی، تنظیم و به امضاء طرفین می رسیده را تهیه نکرده و رأساً، مبادرت به ابلاغ تمدید مدت پیمان کرده باشد. در چنین حالتی، به دلیل وجود امارات قانونی، اصطلاحاً دعوی منقلب می شود. یعنی دلیل ظنی (نه قطعی) مبنی بر وجود تاخیرات مجاز (به میزان مندرج در ابلاغیه تمدید) به نفع پیمانکار، در عالم اثبات محقق می گردد؛ به عبارت دیگر، بار اثبات دعوی، از روی دوش پیمانکار برداشته شده و بر دوش کارفرما قرار می گیرد^{۲۲}، طوری که کارفرما تنها، با توسل به دلیل قطعی، می تواند خلاف آن را اثبات کند؛ چه دلیل ظنی، در مرتبه ی پایتینتر از دلیل قطعی قرار دارد. از این رو، ماده^{۱۹۴} از قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب، در مقام تعریف دلیل، بیان می دارد "دلیل، عبارت از امری است که، اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا، به آن استناد می کنند؛

از طرفی ماده^{۱۲۵۸} از قانون مدنی نیز در مقام احصاء دلایل معتبر برآمده و بیان می دارد

می تواند درخواست تمدید مدت پیمان کند. پیمانکار، درخواست تمدید مدت پیمان را، با ارائه محاسبات و دلایل توجیهی، به مهندس مشاور تسلیم می کند و مهندس مشاور، پس از بررسی و تائید، مراتب را برای اتخاذ تصمیم، به کارفرما گزارش می کند و سپس نتیجه تصمیم کارفرما را، به پیمانکار ابلاغ می نماید.

شایان ذکر است، ماده^{۳۱} ش.ع.پ سابق (بخشنامه شماره ۱۲۷۸۱/۵۴/۴۶۹۰-۱ مصوب ۱۳۵۹/۱۱/۲۱) که بر پیمان های منعقد، قبل از ابلاغ بخشنامه فعلی حاکم بود نیز، با همان عنوان تغییرات مدت پیمان و با تشریفات نسبتاً مشابه بیان می داشت، در موارد زیر^{۱۲} دستگاه نظارت، با توجه به برنامه تفصیلی اجرایی منضم به پیمان و تغییراتی که، ممکن است در آن داده شود، موضوع را، مورد مطالعه و رسیدگی قرار داده و در صورتی که، پیش آمدن این موارد را، مستلزم تغییر مدت پیمان بشناسد، تغییر مدت پیمان را، به کارفرما پیشنهاد و پس از تصویب کارفرما، به پیمانکار ابلاغ خواهد کرد.

با عنایت به اینکه، اسباب و علل تاخیرات در بخش ماهوی امر، داخل در موضوع مقاله حاضر نیست، ناگزیر از بررسی تشریفات شکلی تمدید مدت پیمان هستیم؛ با مذاقه در منطوق مواد صدرالاشاره، مشاهده می شود که، قانونگذار سال ۱۳۵۹، نه تنها تکلیفی از حیث تهیه لایحه تاخیرات^{۱۳} و ابراز آن توسط پیمانکار برقرار ننموده، بلکه احراز شرایط تمدید پیمان را هم در صلاحیت دستگاه نظارت قرار داده بود؛ در صورتی که مقنن سال ۱۳۷۸، در بازنگری ش.ع.پ، پیمانکار را مکلف به ارائه آن کرده است.

لیکن برخی از صاحب نظران حقوق پیمان، از لفظ "می تواند"، معنی "اختیار" را افاده کرده اند و بیان داشتند که واژه "می تواند" که، در بند (الف) ماده^{۳۰} ش.ع.پ به کار رفته، دلیل بر تخییری بودن درخواست پیمانکار، جهت تمدید مدت پیمان است؛ به عبارت دیگر، در نتیجه استنباط ایشان، بایستی قائل به آن باشیم که پیمانکار، تکلیفی به ارائه درخواست تمدید پیمان، در صورت اتمام مدت پیمان و عدم انجام کار ندارد!

اما چنین برداشتی از لفظ "می تواند"، بر اساس اصول استنباط، صحیح به نظر نمی رسد؛ چه اینکه، عبارت "پیمانکار، می تواند درخواست تمدید مدت پیمان را بنماید" در اصطلاح اصولیین، جزای شرط است. با کالبدشکافی منطوق بند (الف) ماده^{۳۰} ش.ع.پ، در می یابیم که عبارت "در صورت وقوع هر یک از موارد زیر..." نیز در اصطلاح اصولیین، شرط است. لازم به ذکر است، عبارت "... که موجب افزایش مدت اجرای کار شود" وصف

شرط مذکور خواهد بود و مفهوم مخالف شرط^{۱۴} بدین صورت است که "در صورت عدم وقوع هر یک از موارد زیر... پیمانکار، نمی تواند درخواست تمدید مدت پیمان کند! پس افاده معنای اختیار، از لفظ می تواند در این ماده، ناصواب است.

از طرفی، ویژگی خاص تعهدات پیمانکاری احداث که از نوع تعهد به نتیجه^{۱۵} است نیز نظر نگارنده این مقاله را تقویت می کند. هر چند آخر الامر، آن دسته از نویسندگان محترم نیز به تکلیف پیمانکار اشاره نمودند، لیکن، استدلال آنها گواه بر افاده ی معنای تخییری، از لفظ می تواند در نزد ایشان دارد.^{۱۶}

با اوصاف مذکور، در لزوم درخواست تمدید مدت پیمان، همراه با ارائه لایحه تاخیرات از سوی پیمانکار، تردیدی نیست. از جمع مفاد بندهای (الف) و (ج) ماده^{۳۰} ش.ع.پ، این نتیجه حاصل می شود که اگر پیمانکار، به تکلیف خود، مبنی بر درخواست تمدید مدت پیمان، همراه با ارائه محاسبات و دلایل توجیهی به مهندس مشاور، در اثناء یا انتهای مدت پیمان عمل نکرد، مشاور، بایستی با کسب نظر وی به این امر رسیدگی کند. پس از تعیین مدت مجاز و غیر مجاز تاخیرات، موافقت پیمانکار را جلب کرده و نتیجه را به کارفرما گزارش کند^{۱۷}. سپس نتیجه نهایی تصمیم کارفرما را، به پیمانکار اعلام کرده و بر اساس مدت تاخیر مجاز مندرج در نامه کارفرما، پیمان را به همان میزان، تمدید کند. بدیهی است، در صورت اختلاف پیمانکار با مهندس مشاور یا اعتراض مشاور^{۱۸} به نظر کارفرما، مسأله، از طریق ارجاع امر^{۱۸}، به ماده^{۵۳} ش.ع.پ^{۱۹} مرتفع می شود که بررسی مورد اخیر در این مجال نمی گنجد.

۳. طرح مسأله

رای، مبنی بر مجاز بودن تاخیرات پیمانکار، اقدام کرده است.

۷. طرح پیشنهادی ماده ۳۰ ش.ع.پ (مشاورین ره شهر)

طرح پیش نویس ماده ۳۰ ش.ع.پ، تنظیمی توسط مشاور ره شهر در سال ۱۳۸۹ که تاکنون ابلاغ آن از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور صورت نپذیرفته است، صرفاً جهت استحضار دست اندرکاران صنعت عظیم احداث کشور، به شرح ذیل، در این مقاله، ارائه می شود.

ماده ۳۰ - تغییر مدت پیمان: الف. وقوع هر یک از موارد زیر، حسب مورد، موجب محاسبه تاخیر مجاز برای بخش اجرایی مربوطه، افزایش مدت بخش مربوطه یا مدت پیمان و نهایتاً تمدید مدت کل پیمان، در صورت افزایش مسیر بحرانی، در برنامه زمانبندی می شود.

- تغییر مبلغ پیمان، نسبت به مبلغ اولیه
- تغییر در نقشه های اجرایی یا مشخصات فنی اجرایی، به هر دلیل
- تاخیر در تحویل نقشه ها بدین مفهوم که، نقشه ها طبق برنامه زمانی تحویل نشوند، یا اینکه با توجه به ابهام ها، ایرادات و نیاز به اصلاحات، نهایتاً دیرتر از برنامه زمانبندی تحویل شوند.
- تاخیر در ابلاغ ها، تأییدها، دستورکارها و تعیین تکلیف ها در هزینه
- تاخیر در تحویل زمین و محل، برای تجهیز کارگاه و محل انجام کار یا جبهه کار که، بر طبق برنامه زمانی صورت نگرفته باشد، یا جابجایی

زمین از محلی به محل دیگر

- تاخیر در تحویل مصالح و تجهیزات بر عهده کارفرما
- تاخیر در انجام تعهدات مالی از سوی کارفرما، یا اعلام شاخص های تعدیل قیمت ها و مابه التفاوت ها
- تبصره: در صورت تامین نبودن منابع مالی، پیمانکار همراه با ادعای خسارات مربوط به دیرکرد در پرداخت، می تواند تقاضای خاتمه پیمان را بنماید و به هر حال، تاخیرات حادث در این مورد، مجاز و خسارت تاخیر در تادیه به او تعلق می گیرد.

- ایجاد معارض در انجام کار، نظیر تاخیر در تحصیل پروانه و مجوز یا تملیک اراضی یا مزاحمت اهالی یا موانع زیست محیطی و محل کارها یا مشکلات موجود همزمانی با کارهای پیمانکاران دیگر و یا جابجایی تاسیسات زیربنایی با دستور مقامات دولتی

- ایجاد و بروز حوادث قهریه و موارد کشف آثار عتیقه و باستانی
- وضع قوانین و مقررات جدید که، موجب و مستلزم صرف وقت برای اقدامات مرتبط با کار اجرایی باشد.

- ایجاد و بروز حوادث و پدیده های جوی پیش بینی نشده، خارج از عرف در طول ۲۰ سال گذشته.

- ایجاد تاخیر در هر یک از اقدامات مرتبط با اجرای پیمان و تعهدات آن، مانند تشکیل جلسات هیات ها و اعزام آنها یا اعزام نماینده و تهیه اوراق و اسناد و صورتجلسات و نظایر آنها از ناحیه کارفرما و عوامل او.

- اعلام توقف و تعلیق در تمام یا بخشی از کارها، یا تغییر و جابجایی در توالی کارها در برنامه زمانبندی.

- ابلاغ کارهای اضافی
- محدودیت در تامین مصالح و نیروی انسانی و دیگر نیازهای اجراء

(مانند آب، برق و ...) خارج از قصور پیمانکار

ب. در تمامی موارد بند (الف) فوق و در هر مقطع، پیمانکار گزارش توجیهی مستند خود را برای افزایش مدت پیمان، به مهندس مشاور و کارفرما ارسال می دارد و با توافق، میزان تاخیر مجاز و افزایش مدت پیمان معین می گردد. در صورت عدم توافق، مرجع فنی یا حل اختلاف و داوری پیمان، تعیین تکلیف خواهد کرد و پیمان، معادل با مدت مورد تأیید فوق، تمدید می شود.

ج. اگر وقوع هر یک از موارد درج شده در بند (الف) موجب کاهش مدت پیمان شود،

"دلایل اثبات دعوی از قرار ذیل است: ۱. اقرار، ۲. اسناد کتبی، ۳. شهادت، ۴. امارات، ۵. قسم". برای درک بهتر مفهوم دلیل، در راستای کشف حقیقت، ذکر این نکته خالی از لطف نیست که دلایل (اعم از شرعی و عقلی) به دو دسته قطعی ۱۳ و ظنی ۲۴ تقسیم می شوند. و همانطور که در نمایه شماره یک مشاهده می شود، تنها دلیل قطعی است که حیثیت ذاتی داشته و منجر به حصول قطع ۲۵ (یا علم ۲۶) نزد قاطع می شود. اما شارع مقدس و به تبع آن، قانونگذار اسلامی، اماره ۲۷ را ظن معتبر تلقی کرده و در حکم قطع، قرار داده است؛ از این رو دلیل اخیر حیثیت قراردادی یا اعتباری یافته است.

۵. وجود اماره قانونی، در ید پیمانکار

همانطور که گفته شد، در این فقره، دلیل در ید پیمانکار، دلیل ظنی و از نوع اماره است. قانون مدنی، در ماده ۱۳۲۱ در تعریف اماره بیان می دارد "اماره، عبارت از اوضاع و احوالی است که، به حکم قانون یا در نظر قاضی، دلیل بر امری شناخته می شود؛ پس اماره، بر دو گونه ی اماره قانونی و اماره قضایی ۲۸ است و موضوع بحث ما، پیرامون اماره قانونی است که ماده ۱۳۲۲ از قانون مارالبیان، در مقام تعریف آن بیان می نماید "امارات قانونی، اماراتی است که، قانون آن را دلیل بر امری قرارداده، مثل امارات مذکور در این قانون، از قبیل مواد ۳۵ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۵۸ و ۱۱۵۹ و غیر آنها و سایر امارات مصرّحه در قوانین دیگر" و بدیهی است، لفظ "قانون" در معنای عام کلمه استعمال شده و شامل مقررات نیز می شود.

لذا نص صریح مقرّری آمره، در بند (ج) ماده ۳۰ ش.ع.پ که اشعار دارد "... مهندس مشاور... معادل مدت تاخیر مجاز، مدت پیمان را، تمدید می نماید" اماره قانونی است و قانونگذار در مقام بیان، تمدید مدت پیمان را اماره ۲۹ (دلیل ظنی ۳۰) بر وجود تاخیرات مجاز در پیمان، قرارداده و به حکم ماده ۱۳۲۳ از همان قانون که تصریح دارد "امارات قانونی در کلیه دعاوی، اگر چه از دعاوی باشد که به شهادت شهود قابل اثبات نیست، معتبر است"، این دلیل را، به نفع پیمانکار و برای اثبات مجاز بودن تاخیرات پیمان کافی و موثر در مقام دانسته، هر چند به جهت نقص ذاتی اماره، در کاشفیت از حقیقت، اثبات خلاف آن ممکن است؛ چنانچه، ماده اخیرالذکر در ادامه تصریح کرده "مگر آنکه دلیل بر خلاف آن موجود باشد" ۳۱ که منظور از دلیل اخیر دلیل قطعی است و اقامه آن، در تعهد کارفرماست.

۶. بررسی یک نمونه رأی (شورای فنی استان)

در پی ارسال نامه شماره ۹۳/۲۰۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۰۳ شرکت پیمانکاری (ا.ا) (ش) به انجمن صنفی، با موضوع رسیدگی به اعتراض مشارالیه، در خصوص نحوه رسیدگی دستگاه اجرائی (کارفرما) به صورت وضعیت قطعی و محاسبه تاخیرات پروژه مسکن مهر یکی از شهرستان های استان خراسان رضوی و نامه نگاری انجمن مذکور با شماره ۹۳/۵/۶۰۱۹ در مورخه ۱۳۹۳/۱۰/۰۴، مدیرکل محترم دفتر فنی استانداری خراسان رضوی، با ارسال دعوتنامه شماره ۳۸/۴۱/۳۸۰۴۲ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۱ برای اصحاب دعوی و سایرین، در تاریخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۱، نسبت به تشکیل پنجاه و سومین جلسه کمیته پیمان شورای فنی استان، اقدام و پس از بررسی اسناد، مدارک و استماع نظرات کارفرما، مهندسین مشاور، پیمانکار و نماینده انجمن صنفی، در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۰، مبادرت به صدور رأی شماره ۳۸/۴۱/۴۲۳۶۷، به شرح ذیل می کند که منطوق آن عیناً و بدون دخل و تصرف، ارائه شده است:

۱. تاریخ ابلاغ قرارداد ۱۳۹۰/۱۰/۲۱ بوده که، مدت اولیه پیمان ۴ ماه است.

۲. قرارداد، سه نوبت تا تاریخ های ۱۳۹۱/۰۴/۲۵ و ۱۳۹۱/۱۲/۳۰ و ۱۳۹۲/۰۴/۳۱ تمدید گردیده است.

۳. تاریخ تحویل موقت پروژه ۱۳۹۲/۰۳/۰۱ است. با عنایت به موارد فوق الذکر و به استناد بند (ج) ماده ۳۰ ش.ع.پ، کارفرما معادل تاخیر مجاز نسبت به تمدید مدت پیمان اقدام می نماید، بنابراین با توجه به اینکه قرارداد تا تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۳۱ تمدید شده و در تاریخ ۱۳۹۲/۰۲/۰۱ تحویل موقت شده است، مشمول جریمه تاخیر مجاز نمی باشد. "مشاهده می شود، در رأی مذکور، به درستی و با درایت، کمیته پیمان شورای فنی استان، با استناد اماره قانونی مندرج در بند (ج) ماده ۳۰ ش.ع.پ و نیز با توجه به عدم ارائه دلیل قطعی توسط کارفرما، دال بر غیر مجاز بودن تاخیرات پیمانکار، نسبت به اصدار



در پایان کار (زمان تحویل پروژه) بررسی خواهد شد، موثر در مقام نبوده و پیمانکار را، مکلف به ارائه لایحه تاخیرات و اثبات مجاز بودن تاخیرات نمی‌کند! بلکه این مهندس مشاور و کارفرما هستند که، بایستی غیرمجاز بودن تاخیرات پیمانکار را، به اثبات برسانند! به عبارت دیگر، با وقوع رویداد صدرالاشاره، بار اثبات دعوی تاخیرات، بر دوش مشاور و کارفرما قرار گرفته و در صورت عجز مشاوراً لایحه‌ها از ارائه دلیل قطعی، دال بر وقوع تاخیر غیرمجاز، مجاز بودن تاخیرات پیمانکار، ثابت و استوار می‌شود.

پی‌نوشت

۱. منظور از پیمان در این مقاله، قراردادی است که، با شرایط عمومی پیمان (به اختصار: ش.ع.پ) شماره ۵۴/۸۴۲-۱۰۲/۱۰۸۸ مورخ ۱۳۷۸/۰۳/۰۳ منعقد می‌گردد به استناد ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه و آیین‌نامه اجرایی آن و نظام فنی و اجرایی طرح‌های عمرانی کشور (مصوبه ۲۴۵۲۵/ت/۱۴۸۹۸ هـ مورخ ۱۳۷۵/۰۴/۰۴ هیئت وزیران)، از نوع اول و لازم الاجرا به شمار می‌رود. بدیهی است، موضوع این مقاله، منصرف از قراردادهای منعقد به شرایط عمومی پیمان‌های، C.EPC, EP, PC, صنعتی می‌باشد.

۲. نگارنده مقاله حاضر، دارای تحصیلات آکادمیک، در حوزه‌های مهندسی، حقوق، مدیریت و صلاحیت پایه دو طراحی، نظارت و اجراء سازمان‌های نظام مهندسی ساختمان و معدن و عضو هیئت رئیسه کمیته پیمانکاران (سابقاً هم، هیئت رئیسه کمیته مهندسی بازرگانی) سندیکای صنعت برق ایران، عضو انجمن‌های مدیریت، مدیریت پروژه، راه و ساختمان، مهندسی ارزش، مهندسی عمران و بتن ایران، همچنین کارگروه آیین‌نامه‌ها و ضوابط طرح‌های عمرانی در شورای هماهنگی تشکلهای مهندسی، صنفی و حرفه‌ای کشور و نیز کارگروه مناقصه، مزایده و پیمان در روزنامه مناقصه مزایده ایران می‌باشد.

۳. ماده ۷ شرایط عمومی پیمان: پیمانکار، شخص حقیقی یا حقوقی است که، سوی دیگر امضاء کننده پیمان است و اجرای موضوع پیمان را، بر اساس اسناد و مدارک پیمان، به عهده گرفته است. نمایندگان و جانشین‌های قانونی پیمانکار، در حکم پیمانکار می‌باشند.

۴. ماده ۹ شرایط عمومی پیمان: الف) مهندس مشاور، شخص حقیقی یا حقوقی است که، برای نظارت بر اجرای کار، در چارچوب اختیارات تعیین شده در اسناد و مدارک پیمان، از سوی کارفرما به پیمانکار معرفی می‌شود. ب) مهندس ناظر، نماینده مقیم مهندس مشاور در کارگاه است و در چارچوب اختیارات تعیین شده در اسناد و مدارک پیمان، به پیمانکار معرفی می‌شود.

۵. ماده ۶ شرایط عمومی پیمان: کارفرما، شخص حقوقی است که، یک سوی امضاءکننده پیمان است و عملیات موضوع پیمان را، بر اساس اسناد و مدارک پیمان، به پیمانکار واگذار کرده است. نمایندگان و جانشین‌های قانونی کارفرما، در حکم کارفرما می‌باشند.

۶. حسب تصریح بند (ب) از ماده ۳۲ شرایط عمومی پیمان، مهندس مشاور، تنها مرجع فنی پیمانکار، برای اجرای موضوع پیمان، از سوی کارفرماست.

۷. چنانچه بند (ج) ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان، قویاً تصریح نموده است که "در پایان مدت اولیه پیمان یا هر تمدید مدت پیمان، اگر کار به اتمام نرسیده باشد، مهندس مشاور با کسب نظر پیمانکار و با توجه به موارد تعیین شده در بند (الف)، علل تاخیر کار را بررسی می‌کند و میزان مدت مجاز و غیرمجاز آن را، با توافق پیمانکار تعیین می‌نماید و نتیجه کار را، به کارفرما گزارش می‌دهد و سپس نظر کارفرما را، در مورد میزان مجاز یا غیرمجاز تاخیر کار، به پیمانکار اعلام می‌کند و معادل مدت تاخیر مجاز، مدت پیمان را تمدید می‌نماید."

۸. بند (ح) ماده ۱۷ شرایط عمومی پیمان: پیمانکار موظف به، اجرای مقررات بیمه‌های درمانی و اجتماعی، مقررات و دستورالعمل‌های حفاظتی فنی و بهداشت کار است.

۹. بند (ج) ماده ۲۱ شرایط عمومی پیمان: پیمانکار مکلف است که، پیش از شروع کار، تمام یا آن

مراتب به نحو بند (ب) مورد تعیین تکلیف است. د. با ترتیب فوق، اصولاً در هر مقطع، مدت پیمان و تاریخ پایان آن و تاریخ‌های شروع و پایان هر بخش از کار که، از جنبه تاخیرهای مجاز مشخص است، اضافه می‌شود. در صورت افزایش یا کاهش مقادیر و به تبع آن افزایش یا کاهش مدت اولیه کارکرد، متوسط فرضی ماهانه، متناسب با این افزایش و کاهش، قابل محاسبه است و مدت مورد عمل در این مورد، به عنوان مدت اولیه پیمان و تغییرات آن، مورد نظر خواهد بود. ه. نسبت به دوره تاخیرهای مجاز، در هر حال هزینه خسارت مربوط بر طبق ماده ۵۰ محاسبه و به پیمانکار پرداخت می‌شود، به علاوه نرخ‌های پیمان نیز مشمول تعدیل این دوره است.

و. مدت تاخیرهای فوق که در مورد عوامل مختلف بطور همزمان اتفاق افتد، صرفاً یکبار (از مدت کل تاخیر) محاسبه می‌شود.

ز. پرداخت خسارت تاخیر، به استثنای خسارت تاخیر در تادیه تعهدات مالی کارفرما در هر بخش، صرفاً با توافق پیمانکار برای مدت شش ماه ممکن است و برای تاخیرهای مازاد بر شش ماه در هر بخش، پیمانکار می‌تواند، آن بخش را از تعهدات خود حذف کند و البته برای مدت مازاد بر شش ماه، صرفاً با توافق پیمانکار و بدون پرداخت خسارت، کار در بخش مربوطه قابل اجراء خواهد بود.

ح. در صورتی که، کار بر اثر قصور پیمانکار دچار تاخیر شود، مدت این تاخیر به عنوان تاخیر غیرمجاز به مدت پیمان اضافه می‌شود و البته جرائم مربوط به حساب پیمانکار منظور خواهد بود. در دوره تاخیر غیرمجاز، نرخ انجام کار، نرخ‌های دوره مجاز پیمان است.

ط. در صورتی که دوره تاخیر غیرمجاز، از یک سوم مدت اولیه پیمان، بعلاوه تاخیرهای مجاز بیشتر شود، کارفرما می‌تواند پیمان را، فسخ کند.

ی. تشخیص قصور پیمانکار و محاسبه تاخیرها به عنوان تاخیر غیرمجاز و یا استحقاق پیمانکار به تاخیر مجاز، در درجه اول با توافق طرفین و در غیر آن، به ترتیب با مرجع یا هیئت فنی و یا داور و نهایتاً محاکم قضایی است.

۸. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در صورتی که، مشاور، بدون رسیدگی به لایحه تاخیرات و یا بدون مدنظر قراردادن تشریفات شکلی و ماهوی تمدید مدت پیمان، صرفاً بر اساس وضعیت کلی و شهودی از پیشرفت پروژه، نسبت به ارائه پیشنهاد تمدید مدت پیمان به کارفرما، اقدام و نهایتاً کارفرما نیز، با نظر وی موافقت نماید و پیمان، به میزان مندرج در نامه کارفرما (پیش از آنکه صورتجلسه تأخیرات، به امضاء پیمانکار و مهندس مشاور برسد) توسط مشاور تمدید شود، حسب نص صریح مقررده آمده، در بند (ج) ماده ۳۰ ش.ع.پ که، اشعار دارد "... مهندس مشاور... معادل مدت تاخیر مجاز، مدت پیمان را، تمدید می‌کند"، تمدید مدت پیمان، اماره قانونی (دلیل قطعی) بر وجود تاخیرات مجاز پیمانکار، به میزان موردالاشاره در فوق، است.

در چنین وضعیتی، درج قیودی از این دست که، این نامه، صرفاً جهت ارائه به سازمان تامین اجتماعی، به منظور فراهم کردن امکان تحویل لیست بیمه کارکنان آن شرکت و یا، جهت تسهیل در تمدید بیمه‌نامه‌های پیمان (اعم از تمام خطر نصب و مسئولیت مدنی) صادر گردیده و النهایه، اضافه‌کردن این مطلب که رسیدگی به تاخیرات مجاز و غیرمجاز،

- در صورتی که، کار، طبق ماده ۴۹ به حالت تعلیق درآید.
- در صورتی که، قوانین و مقررات جدیدی وضع شود که، در تغییر مدت اجرای کار موثر باشد.
- هرگاه، کارفرما نتواند تعهدات مالی خود را، در موعدهای درج شده در اسناد و مدارک پیمان انجام دهد.
- موارد دیگری که، به تشخیص کارفرما خارج از قصور پیمانکار باشد.

۱۲. ماده ۳۱ شرایط عمومی پیمان سابق: دستگاه نظارت، با توجه به برنامه تفصیلی اجرایی منضم به پیمان و تغییراتی که، ممکن است در آن داده شود، موضوع را مورد مطالعه و رسیدگی قرار داده و در صورتی که، پیش آمدن این موارد را، مستلزم تغییر مدت پیمان بشناسد، تغییر مدت پیمان را، به کارفرما پیشنهاد و پس از تصویب کارفرما، به پیمانکار ابلاغ خواهد نمود.

- در صورتی که، مقادیر کارها طبق ماده ۲۹ تغییر کند و یا کارهای جدید طبق ماده ۳۰ به پیمانکار واگذار شود.
- هرگاه نقشه های تفصیلی اجرایی تمام یا قسمتی از کارها، به دستور کارفرما یا دستگاه نظارت تغییر اساسی کند و اجرای نقشه های جدید، تغییر مدتی را، ایجاد نماید.
- هرگاه، کارفرما نتواند، صورت وضعیت ها و یا پیش پرداخت ها و یا بطور کلی تعهدات مالی خود را، نسبت به پیمانکار، در رأس موعدهای مندرج در اسناد پیمان، انجام دهد و یا در تحویل اراضی و یا تسلیم نقشه ها و تحویل مصالح طبق برنامه تفصیلی اجرایی، تأخیر کند.
- در صورت موارد حوادث قهریه و همچنین در موارد مربوط به کشف اشیاء عتیقه و آثار تاریخی که، به ترتیب در مواد ۲۶ و ۴۳ پیش بینی شده است.
- هرگاه محدودیت های جدید، مندرج در قسمت دوم بند (ب) ماده ۲۰ وقوع یابد.
- در صورتی که، کار طبق ماده ۴۹ از طرف کارفرما موقتاً تعلیق یابد.
- در صورتی که، قوانین و مقررات جدیدی وضع شود که، در مدت اجرای کار موثر باشد.

۱۳. واژه "لایحه تأخیرات" فاقد حقیقت قانونی در شرایط عمومی پیمان است. اما حسب تصریح ماده ۲۲۴ از قانون مدنی که "الفاظ عقود، محمول است بر معانی عرفیه" و از آنجائی که، لایحه تأخیرات، در واقع یک اصطلاح متعارف در حوزه پیمانکاری احداث می باشد، شاید بتوان گفت، مقصود نویسندگان شرایط عمومی پیمان، از استعمال الفاظ و عبارت "ارائه محاسبات و دلایل توجیهی" که، بایستی در فرم ها و جداول خاص و با تجزیه و تحلیل برنامه زمانبندی Plan

و به روزرسانی های واقعی یا Update Actual of Plan توسط پیمانکار همراه باشد، همان "لایحه تأخیرات" بوده است. ۱۴. مفهوم مخالف: قضیه ای است که، حکم آن نهیاً و اثباتاً مخالف منطوق باشد. به عنوان مثال، مفهوم مخالف ماده ۳۶۰ از قانون مدنی که، می گوید "هر چیزی که، فروش آن مستقلاً جایز است، استثنای آن از مبیع نیز، جایز است" این است: چیزی که مستقلاً قابل فروش نیست، استثنای آن از مبیع، جایز نیست، مانند حق ارتفاق. برای مفهوم مخالف، اصولیین شیعه، شش نوع بیان نموده اند که، عبارتند از، مفهوم شرط، مفهوم وصف، مفهوم غایت، مفهوم حصر، مفهوم لقب و مفهوم عدد.

قسمت از کارهای موضوع پیمان را که، در اسناد و مدارک پیمان تعیین شده است، در مقابل مواردی از حوادث مذکور در اسناد یاد شده، به نفع کارفرما، نزد موسسه ای که، مورد قبول کارفرما باشد، بیمه نموده و بیمه نامه ها را، به کارفرما تسلیم کند. بیمه نامه ها، باید تا تاریخ تحویل موقت اعتبار داشته باشد، تا زمانی که، تحویل موقت انجام نشده است، پیمانکار مکلف است که، بیمه نامه ها را تمدید کند. کارفرما هزینه های مربوط به بیمه، به شرح پیشگفته را، در مقابل ارائه اسناد صادر شده از سوی بیمه گر، عیناً به بیمه گر پرداخت می کند. آن قسمت از هزینه بیمه که، مربوط به مدت تأخیر غیر مجاز پیمانکار باشد، به حساب بدهی پیمانکار منظور می شود.

بند "د" ماده ۲۱ شرایط عمومی پیمان: پیمانکار مکلف است که، تمام ساختمان ها و تاسیسات موقت، ماشین آلات و ابزار و وسایل کارگاه را که، متعلق به اوست و یا در اختیار اوست و برای انجام عملیات موضوع پیمان به کار گرفته، به هزینه خود بیمه کند و رونوشت بیمه ها را به کارفرما تسلیم نماید. ماشین آلات و ابزاری که، کارفرما در اختیار پیمانکار قرار می دهد، کارفرما بیمه می کند.

۱۰. البته در برخی موارد نیز، موجب کاهش مدت پیمان می گردد؛ چنانچه در این رابطه، بند "ب" ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان بیان می دارد: اگر وقوع برخی از موارد درج شده در بند (الف)، موجب کاهش مدت پیمان شود، مهندس مشاور، با کسب نظر پیمانکار، کاهش مدت پیمان را، تعیین می کند و مراتب را، برای اتخاذ تصمیم، به کارفرما گزارش می نماید و سپس، نتیجه تصمیم کارفرما را، به پیمانکار ابلاغ می کند.

۱۱. بند (الف) ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان: در صورت وقوع هر یک از موارد زیر که، موجب افزایش مدت اجرای کار شود، پیمانکار می تواند، درخواست تمدید مدت پیمان را، بنماید. پیمانکار درخواست تمدید مدت پیمان را، با ارائه محاسبات و دلایل توجیهی، به مهندس مشاور تسلیم می کند و مهندس مشاور، پس از بررسی و تأیید، مراتب را برای اتخاذ تصمیم، به کارفرما گزارش می کند و سپس نتیجه تصمیم کارفرما را، به پیمانکار ابلاغ می نماید.

- در صورتی که بند های (الف) و (ج) ماده ۲۹، مبلغ پیمان تغییر کند.
- هرگاه به دستور کارفرما یا مهندس مشاور، نقشه های اجرایی یا مشخصات فنی، تغییر اساسی کند.

• هرگاه کارفرما در تحویل کارگاه، ابلاغ دستورکارها یا نقشه و تحویل مصالحی که، تهیه آنها به عهده اوست تأخیر کند. تأخیر ابلاغ دستور کارها و نقشه ها به شرطی مشمول این بند است که، پیمانکار با توجه به برنامه زمانی تفصیلی، آنها را از مهندس مشاور درخواست کرده باشد.

• اگر در تحویل مصالحی که، فروش آنها لزوماً باید با حواله کارفرما صورت گیرد تأخیر ایجاد شود؛ به شرطی که، پیمانکار با توجه به برنامه زمانی تفصیلی برای تهیه آنها به موقع اقدام کرده باشد.

• در موارد حوادث قهری و همچنین در موارد مربوط به کشف اشیاء عتیقه و آثار تاریخی که، در مواد ۲۶ و ۴۳ پیش بینی شده است.

• هرگاه محدودیت برای ورود مصالح و تجهیزات طبق بند (د) ماده ۲۰ پیش آید.



اصول عملیه یا ادله فقاهتی، جلد دوم، چاپ اول، صفحه ۳۴، انتشارات اندیشه های حقوقی، ۱۳۸۸) ۲۴. دلیل ظنی: دلیلی است که، کاشفیت و روشنگری آن، به اندازه دلیل قطعی نمی‌رسد و همواره نقاط شبهه و تردیدی در نهاد جوینده حکم شرعی، باقی می‌گذارد که، مبدا به واقعیت، یعنی حکم شرعی دست نیافته باشد. (ر.ک. دکتر سید محمد صدری، رهیافتی به اصول عملیه یا ادله فقاهتی، جلد دوم، چاپ اول، صفحه ۳۴، انتشارات اندیشه های حقوقی، ۱۳۸۸)

۲۵. قطع: قطع در اصطلاح اصولیان بر همان معنای لغوی خود، یعنی یقین است و یقین، حالتی است درونی که، در آن حال، انسان به‌گونه‌ای باور به چیزی پیدا می‌کند و آن را مطابق با واقعیتی داند که، جای هیچ‌گونه تردیدی برای او نمی‌ماند و چندان گفته شد، به زبان منطقی: احتمال نقیض باور خود را نمی‌دهد. و این گفته اصولی در تعریف قطع مشهور است که، قطع، انکشاف کامل واقعیت، به‌زود کاشف است. (ر.ک. دکتر سید محمد صدری، رهیافتی به اصول عملیه یا ادله فقاهتی، جلد دوم، چاپ اول، صفحات ۱۰۳ و ۱۰۵، انتشارات اندیشه های حقوقی، ۱۳۸۸) ۲۶. قطع، گاهی و بلکه بهتر است گفته شود، در بیشتر موارد، به علم می‌انجامد و گاهی نیز از جهل مرکب سر در می‌آورد. شاید ترادف قطع و علم که، میان اصولیان شایع شده است، به‌راایت همین غلبه و فراگیری بوده و به اصطلاح اهل لغت، از باب تغلیب اغلب است. با توجه به جمیع آنچه گفته شد، ما نیز ضمن آنکه خود را، به تعهد به این شیوه شایع می‌دانیم، اهتمام بر آن داریم، در مواردی که، تعریف درست و دقیق قطع را، در نظر داریم، آن‌را به انکشاف کامل واقعیت، در نزد قاطع تعریف کرده و قید نزد قاطع را، فرو نگذاریم و با این فصل، قطع را از علم که، انکشاف حقیقی واقعیت، در همیشه و همه‌جاست جدا کنیم و از رابطه قطع و علم، نسبت عموم و خصوص مطلق را، بسازیم. (ر.ک. دکتر سید محمد صدری، رهیافتی به اصول عملیه یا ادله فقاهتی، جلد دوم، چاپ اول، صفحه ۱۱۴، انتشارات اندیشه های حقوقی، ۱۳۸۸)

۲۷. اماره: اماره دلیلی است که، به خودی خود از واقعیت پرده بر می‌دارد؛ اما این پرده‌برداری یا به اصطلاح کاشفیت، تام و کامل نیست، بلکه شریعت به مدد آن آمده و آن را تأیید می‌کند و به شریتمداران فرمان می‌دهد که، از آن پیروی کنند و یا به تعبیر دیگر، به احتمال خلاف آن توجهی نکنند. بنابراین آن قابلیت، به اضافه این نهاده دوم، یعنی تأیید شریعت، دلیلی می‌سازد. اماره نام و این دلیل حجیت پیدا می‌کند. به عبارت دیگر، اماره یک توان کشف ناقص دارد و یک قرارداد پذیرش از سوی شریعت. حجیت (اعتباری) اماره، از همین قرارداد شریعت ریشه می‌گیرد. بدین معنا که، اگر شریعت چنین قرار و مداری نمی‌گذاشت، هیچ‌گاه آن کاشفیت ناقص، چنین ارزشی نمی‌داشت. (ر.ک. دکتر سید محمد صدری، رهیافتی به اصول عملیه یا ادله فقاهتی، جلد دوم، چاپ اول، صفحه ۱۰۵، انتشارات اندیشه های حقوقی، ۱۳۸۸)

۲۸. اماره قضائی: ماده ۱۳۲۴ قانون مدنی-اماراتی که، به نظر قاضی و اگذار شده، عبارت است از اوضاع و احوالی، در خصوص مورد و در صورتی قابل استناد است که، دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگر را، تکمیل کند.

۲۹. هرگاه پدیده‌ای، بناء بر ظاهر و سیر طبیعی امور، نشانه وجود واقعه‌ای باشد، آن پدیده را، در اصطلاح، اماره‌ی وجود آن واقعه، می‌نامند. (ر.ک. دکتر ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چاپ سی و هفتم، صفحه ۷۹۰، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲)

A legal presumption is a conclusion based upon a particular set of facts, combined with established laws, logic or reasoning. It is a rule of law which allowing a court to assume a fact is true until it is rebutted by the greater preponderance of the evidence against it. (<http://Definitions.UsLegal.Com>)

A legal presumption: n. a rule of law which permits a court to assume a fact is true until such time as there is a preponderance (greater weight) of evidence which disproves or outweighs (rebutts) the presumption. Each presumption is based upon a particular set of apparent facts paired with established laws, logic, reasoning or individual rights. (<http://Dictionary.Law.Com>)

۳۰. در این گونه موارد، قانونگذار ظنی را که، در نتیجه اعتماد به ظاهر، به‌دست می‌آید، توسعه می‌دهد و در همه دعاوی آن را، نشانه وجود واقع می‌شمرد. (ر.ک. دکتر ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چاپ سی و هفتم، صفحه ۷۹۱، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲)

۳۱. دلیل تقدم سایر دلایل (منظور دلایل قطعی) بر اماره، دلالت مستقیم دلیل بر واقع است که، احتمال خطاکم‌تر در آن راه می‌یابد. ولی، اماره بر مبنای ظن و ظاهر استوار است و همیشه احتمال دارد که، واقع، بر خلاف آن باشد. (ر.ک. دکتر ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چاپ سی و هفتم، صفحه ۷۹۱، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲)

ولی در کتب علمای اهل تسنن، تا ده قسم برای آن برشمرده‌اند که، می‌توان آنها را به همان شش نوع برگرداند. (ر.ک. دکتر ابوالحسن محمدی، مبانی استنباط حقوق اسلامی، چاپ چهل و هفتم، صفحات ۷۵ و ۷۶، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱)

اصولیین می‌گویند برای اینکه جملات شرطیه مفهوم مخالف داشته باشند، سه امر لازم است: ۱. بین شرط و جزا، رابطه ملازمه وجود داشته باشد، ۲. اینکه باید بین شرط و جزا، رابطه ملازمه از نوع سبب و مسببی باشد، ۳. جزا که، مسبب از شرط است، تنها سببش همین شرط است. علمای اصول می‌گویند، در جملات شرطیه وجود این سه امر، مقتضای ظهور و تبادر است. اما برای اخذ مفهوم مخالف جمله‌ی شرطی، منفی کردن شرط لازم است. برای منفی کردن شرط، باید رابطه‌ی میان موضوع و محمول شرط منفی گردد. (ر.ک. سلسله درس‌هایی از دکتر سید مصطفی محقق داماد، مباحثی از اصول فقه، دفتر اول، مباحث الفاظ، چاپ هفدهم، صفحات ۱۲۴ و ۱۲۵، انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۱)

۱۵. تعهد به نتیجه

Obligation to achieve a certain result

در مقابل تعهد به وسیله

Obligation mean

قرار می‌گیرد.

۱۶. توضیحات ذیل ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان، مندرج در کتاب مبانی حقوق پیمان، اثر ابراهیم اسماعیلی هریسی، انتشارات شرکت نشر یادآوران، چاپ اول ۱۳۸۴، صفحه ۲۲۱ در سطر دوم، اشاره دارد: اما چرا پیمانکار مکلف است؟ علت این است که، در صورت عدم درخواست تمدید مدت پیمان از سوی پیمانکار، تأخیرات بوجود آمده به عنوان تأخیر غیرمجاز، به حساب پیمانکار منظور شده و در نهایت به ضرر پیمانکار تمام می‌شود. بنابراین گرچه پیمانکار، علی‌الظاهر در خصوص درخواست تمدید مدت پیمان از آزادی کامل برخوردار است، اما الزامات دیگر، به ویژه الزامات مالی او را ناگزیر می‌سازد تا، در صورت وقوع هر یک از موارد درج شده در بند الف ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان، درخواست تمدید مدت پیمان را بنماید.

۱۷. علی‌رغم عدم تصریح شرایط عمومی پیمان، به تنظیم صورت‌مجلس تأخیرات (مجاز و غیرمجاز) میان مشاور و پیمانکار، در لزوم تنظیم چنین سندی در پیمان، نباید تردید داشت؛ چه اصول کلی حقوق عمومی، در قراردادهای آداری دولتی و تشریفاتی بودن عقد پیمان که، از قواعد آمره است، این امر را، به طرفین و ثالث آن، دیکته می‌نماید.

۱۸. بند (ه) ماده ۳۰ شرایط عمومی پیمان: در اجرای مفاد این ماده، اگر پیمانکار با مهندس مشاور توافق نداشته باشد، یا نسبت به تصمیم کارفرما معترض باشد، طبق نظر کارفرما عمل می‌شود و پیمانکار می‌تواند، بر اساس ماده ۵۳ برای حل مسئله اقدام نماید.

۱۹. ماده ۵۳ شرایط عمومی پیمان من باب حل اختلاف بیان می‌دارد:

الف) هرگاه در اجرا یا تفسیر مفاد پیمان، بین دو طرف اختلاف نظر پیش آید، دو طرف می‌توانند برای حل سریع آن، قبل از درخواست ارجاع موضوع یا موضوعات مورد اختلاف به داوری، طبق بند (ج) بر حسب مورد، به روش تعیین شده در بندهای ۱ و ۲ عمل نمایند.

بند اول: در مورد مسائل ناشی از برداشت متفاوت دو طرف، از متون بخش نامه‌هایی که، به استناد ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه از سوی سازمان برنامه و بودجه ابلاغ شده است، هر یک از دو طرف از سازمان برنامه و بودجه چگونگی اجرای بخشنامه مربوطه را استعلام نماید و دو طرف طبق نظری که از سوی سازمان برنامه و بودجه اعلام می‌شود، عمل کنند.

بند دوم: در مورد اختلاف نظرهایی که خارج از شمول بند ۱ است، رسیدگی و اعلام نظر دوباره آنها به کارشناس یا هیات کارشناسی منتخب دو طرف و اگذار شود و دو طرف طبق نظری که از سوی کارشناس یا هیات کارشناسی، در چارچوب پیمان و قوانین و مقررات مربوط اعلام می‌گردد، عمل کنند.

۲۰. ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی: هرکس مدعی حقی باشد، باید آن را اثبات کند و مدعی عملیه، هرگاه در مقام دفاع، مدعی امری شود که، محتاج به دلیل باشد، اثبات امر بر عهده اوست.

۲۱. ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی: سند، عبارت است از، هر نوشته که در مقام اثبات دعوی یا دفاع قابل استناد باشد. و به حکم ماده ۱۳۰۱ از همان قانون، امضائی که در روی نوشته یا سندی باشد، بر ضرر امضاء کننده دلیل است.

۲۲. نقش مهم عملی اماره قانونی، شناساندن مدعی و گاه جابجایی مدعی و منکر، در اثبات حق است؛ یعنی اماره قانونی، سبب می‌شود تا، آنکه بر خلاف اصل سخن می‌گوید و باید مدعی باشد، در جای مدعی عملیه قرار گیرد. (ر.ک. دکتر ناصر کاتوزیان، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، چاپ سی و هفتم، صفحه ۷۹۱، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲)

۲۳. دلیل قطعی: دلیل قطعی در اصول فقه، آن است که، بدون باقی گذاشتن هیچ‌گونه تردید و دو دلی در نهاد یا بنده، او را به حکم شرعی می‌رساند. (ر.ک. دکتر سید محمد صدری، رهیافتی به